



نشریه علمی علم و تمدن در اسلام

سال هفتم / شماره بیست و هفتم / بهار ۱۴۰۵



doi: 10.22034/icrs.2025.540476.1379

روش شناسی برداشت از قرآن کریم در نظریه پردازی معماری اسلامی

منصوره گودرزی^۱ | محمدرضا بمانیان^۲ | مهدی معتمدمنش^۳

چکیده

برداشت از قرآن کریم به عنوان منبع اصلی معماران مسلمان، همواره نقش کلیدی در شکل گیری معماری اسلامی داشته است. امروزه با انبوهی از نگرش های متفاوت در علوم انسانی و سبک های معماری مدرن و تقلید از آن سبک ها در جوامع اسلامی کمتر به گنجینه ارزشمند قرآن به عنوان سرچشمه همه علوم و استفاده از آن در خلق سبک های مناسب جامعه اسلامی پرداخته شده است. فرایند برداشت از قرآن شامل مراحل مختلفی از استخراج شاخص تا تجلی آنها در کالبد بناهاست که در پژوهش های متعدد برای رسیدن به شاخص های کلی بررسی شده است؛ اما سؤال پژوهش این است که: «چگونه می توان با برداشت از قرآن به نظریه پردازی در شاخص های اثباتی معماری دست یافت؟»

این مقاله با روش توصیفی - تحلیلی و رویکرد میان رشته ای و با استناد به کتب و مقالات معتبر، روش شناسی استخراج، تطبیق و تجلی مفاهیم قرآنی در معماری اسلامی را به صورت سیستماتیک بررسی می کند؛ سپس با نقد شکاف های موجود، به تدوین یک مدل روش شناسی جامع و روشی برای دستیابی به شاخص های اثباتی در معماری اسلامی می پردازد. این پژوهش نشان می دهد که تلفیق روش تفسیر ساختاری (تحلیل ادبی - زبان شناختی آیات) و احکام اسلامی به همراه تدبیر خلاقانه و استفاده از علوم روز، می تواند به خلق معماری اصیل اسلامی بینجامد. روش شناسی قرآن محور در معماری اسلامی، نه تقلید ظواهر تاریخی که بازآفرینی حکمت های جاودان اسلامی در قالب های معاصر است. این پژوهش چارچوبی نظام مند برای تلفیق دانش دینی با خلاقیت های معماری ارائه می دهد.

واژه های کلیدی: روش شناسی، برداشت از قرآن، نظریه پردازی، معماری اسلامی، تفسیر علمی، نظریه اثباتی.

۱. دانشجوی دکتری گروه معماری، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

m_goodarzi@modares.ac.ir

bemanian@modares.ac.ir

۲. استاد گروه معماری، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

m.motamed@modares.ac.ir

۳. استادیار گروه معماری دانشکده هنر و معماری دانشگاه تربیت مدرس تهران ایران.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۵/۱۹ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۷/۰۵ نوع مقاله: پژوهشی (۹۷-۱۲۵)

Methodology of Interpreting the Holy Quran in theorizing Islamic architecture

Mansooreh Goodarzi¹ / Mohammadreza Bemanian² / Mehdi Motamedmanesh³

Abstract

The interpretation of the Holy Qur'an, as the main source of Muslim architects, has always played a key role in the form of Islamic architecture. Nowadays, with the high volume of different attitudes in the humanities and modern architectural styles and imitation of those styles in Islamic societies, less attention has been paid to the valuable treasure of the Qur'an as the source of all sciences and its use in creating appropriate styles of Islamic society. The process of understanding the Qur'an includes various stages from extracting principles to manifesting them in the body of buildings, which have been studied in various researches to reach general indicators have been examined, but the question of the research is how to achieve theorizing in the positive indicators of architecture by interpreting the Qur'an. This article, using a review-analytical method and an interdisciplinary approach and citing scientific sources and valid articles, systematically examines the methodology of extraction, comparison and manifestation of Quranic concepts in Islamic architecture, and then, by criticizing the existing gaps, a comprehensive methodological model and a method for achieving positive indicators in Islamic architecture can be developed. This research shows that the combination of the method of structural interpretation (literary-linguistic analysis of the verses) and Islamic rulings along with creative contemplation and the use of modern sciences can lead to the creation of authentic Islamic architecture. The Qur'an-based methodology in Islamic architecture is not the imitation of historical appearances, but the recreation of eternal Islamic wisdom in contemporary formats. This research provides a systematic framework for the integration of religious knowledge with architectural creations.

Keywords: Methodology, Interpretation of the Quran, Theorizing, Islamic Architecture, Scientific Interpretation, Positive Theory

1. Ph.D. Candidate, Department of Architecture, Faculty of Art and Architecture, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran (Corresponding author)

2. Professor, Department of Architecture, Faculty of Art and Architecture, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran.

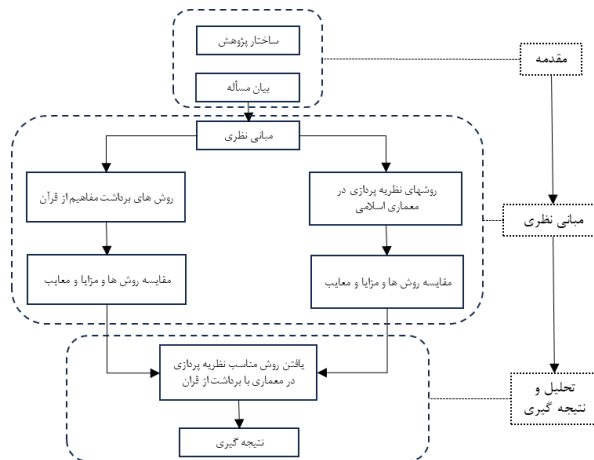
3. Assistant Professor, Department of Architecture, Faculty of Art and Architecture, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran.

مقدمه

رابطه قرآن و معماری اسلامی، رابطه‌ای بنیادین، عمیق و چندلایه است که از ساحت مفهومی تا ساحت زیبایی‌شناسی و کالبدی امتداد می‌یابد. در نگاه حکمی، قرآن نه تنها کتاب هدایت، بلکه منشأ نظام فکری، فرهنگی و زیباشناختی تمدن اسلامی و معماری آن محسوب می‌شود. معماری اسلامی نه تنها در فرم و زیبایی، بلکه در معنا، محتوا و نظام مفهومی خود، باید بازتابی از تعالیم قرآن باشد. تحلیل بخشی از مفاهیم قرآنی نشان می‌دهد که می‌توان شاخص‌های طراحی معماری اسلامی را از دل وحی استخراج کرد؛ مانند مفهوم نور در قرآن که به برداشت شاخص معماری شفافیت، معنویت و طراحی نورگیر منجر می‌شود.

در پژوهش‌های پیشین درباره ارتباط قرآن و معماری، تمرکز بیشتر بر تفسیر کلی و میان‌رشته‌ای آیات بوده که عمدتاً توصیفی و هنجاری است و کمتر به تولید نظریه‌های اثبات‌پذیر و شاخص‌های عینی برای معماری پرداخته‌اند. خلأ اصلی این حوزه فقدان رویکردی نظام‌مند، برای استخراج مفاهیم تجربی و کاربردی از قرآن در نظریه پردازی معماری است. سؤال اصلی پژوهش این است که «چگونه می‌توان با استناد به قرآن کریم، به نظریه پردازی معماری در قالب شاخص‌های تجربی و اثبات‌پذیر دست یافت؟»

روش پژوهش در این مقاله از نوع توصیفی - تحلیلی است که بر جمع‌آوری و بررسی نظام‌مند منابع و مقالات مرتبط با موضوع، تمرکز دارد. در این رویکرد، منابع به صورت منسجم مورد تحلیل کیفی قرار گرفته و روندها، نظریه‌ها و چارچوب‌های موجود استخراج شده‌اند و سپس، با تلفیق روش‌های برداشت از قرآن در علوم میان‌رشته‌ای و سازوکارهای استخراج نظریه‌های اثباتی از نظریه‌های هنجاری، مدلی نوین و کاربردی ارائه شده است که می‌تواند به توسعه نظریه‌های معماری کمک شایانی نماید. برای دستیابی به اطلاعات جامع و یافتن روشی مناسب و بهینه برای پژوهش میان‌رشته‌ای قرآن و معماری و نظریه پردازی، لازم است در دورویکرد موازی مطالعات لازم در مورد روش‌های نظریه پردازی در معماری اسلامی و روش‌های پژوهش و برداشت از قرآن صورت پذیرد و سپس با تحلیل و تلفیق مبانی گفته شده بهترین روش برای نظریه پردازی در معماری با برداشت از قرآن ارائه گردد. روند و ساختار پژوهش در این مقاله در نمودار زیر آورده شده است.



نمودار ۱: ساختار پژوهش مأخذ: نگارندگان

نقد و بررسی پیشینه

در تاریخ معماری سرزمین های اسلامی، تأثیر اسلام و فلسفه اسلامی بر معماری، بویژه، نمونه شاخص آن یعنی مساجد، به شکل بارز نمایان است و باوجود ساخت های متفاوت نمی توان نقش اسلام را در ایجاد مسیر، جهت حرکت شاخصه ها و چگونگی بیان آن در معماری نادیده انگاشت. (سعدوندی و همکاران، ۱۳۹۲: ۸۸) به عنوان نمونه، احمدی و جلالی در مقاله خود تحت عنوان «تأثیر آموزه های اسلامی در طراحی شهری معماری مسکونی سکونتگاه های گذشته»، با بررسی نمونه موردی قلعه مورچه خورت نشان داده اند که اندیشه و اعتقادات اسلامی با مصادیقی چون، انسجام درون شهری، حسن همجواری، سازگاری با محیط، صیانت از حریم خصوصی و توجه عمیق به شعائر الهی در وجوه مختلف نمایان می گردد. (احمدی و جلالی، ۱۴۰۴: ۱۴۷)

به جهت بررسی پیشینه پژوهش، نگارندگان در دو حوزه اصلی «روش شناسی هنر و معماری اسلامی» و «روش برداشت از قرآن» به مطالعه و پژوهش پرداخته اند. در زمینه روش شناسی معماری اسلامی پژوهش های متعددی انجام شده که از آن جمله کتاب «درآمدی بر روش شناسی هنر اسلامی» نوشته موسوی گیلانی (۱۳۹۵) است که به ضرورت تأسیس روش شناسی ویژه برای شناخت و تحلیل هنر اسلامی می پردازد. نویسنده در این کتاب تأکید می کند که تنوع تفاسیر هنر اسلامی نیازمند رویکردهای دقیق و تخصصی است. یکی از روش های مهم مطرح شده در کتاب، روش پدیدارشناسی است که تجربه ذهنی

هنرمند و مخاطب را بررسی می‌کند. کتاب، همچنین به چالش‌های معرفت‌شناختی و نقش اسلام در شکل‌گیری هنر اسلامی اشاره می‌کند. هدف نهایی این کتاب، ایجاد چارچوبی نظری برای پژوهش‌های آینده در هنر اسلامی است.

گرابر^۱ در کتاب «معماری اسلامی» (۱۳۹۱) رویکردی تاریخی و فرهنگی دارد و معماری را به‌مثابه بخش جدایی‌ناپذیر از فرهنگ و هنر اسلامی می‌داند که باید در بستر تاریخی، اجتماعی و دینی خود بررسی شود. او بر ویژگی‌های بصری و تزیینات معماری اسلامی تأکید دارد و فرهنگ اسلامی را در شکل‌گیری این معماری تأثیرگذار می‌داند. گرابر به درک معماری اسلامی نه فقط به‌عنوان ساختارهای فیزیکی بلکه به‌عنوان بیان هنری و معنوی توجه دارد. اتینگهاوزن^۲ و گرابر نیز در کتاب خود با عنوان «هنر و معماری اسلامی» (۱۳۹۶) رویکردی مفصل و جامع به معماری اسلامی دارد که علاوه بر بعد تاریخی، بر مطالعات منطقه‌ای و جغرافیایی تأکید می‌کند. او معماری اسلامی را محصول پیچیده‌ای از تأثیرات مکانی و تاریخی می‌داند که می‌توان الگوهای خاصی را در دوره‌ها و مناطق مختلف از آن استخراج کرد. درواقع اتینگهاوزن به تحلیل تطبیقی سبک‌ها و دوره‌های معماری اسلامی می‌پردازد و نگاه علمی و میدانی به آن دارد.

مرتضوی در رساله دکتری خود با «عنوان بررسی و نقد رویکرد پدیدارشناسانه هانری کربن^۳ به هنر اسلامی» (۱۳۹۶) بیان می‌دارد: «کربن، هنر را جلوه‌ای از عالم مثال و سیر روحانی انسان به‌سوی کمال معنوی می‌داند و معتقد است هنر اسلامی در پس ظاهر خود معانی باطنی و رمزی نهفته دارد که با تأویل دقیق، کشف می‌شود و این هنر وسیله‌ای برای حضور خداوند و شناخت حقیقت الهی است. در مقابل، استیرلن^۴ نگاهش به معماری اسلامی تلفیقی از تحلیل تاریخی، فرهنگی و معنایی است که ضمن تأکید بر نمادگرایی و پیام‌های رمزی، معماری را به‌عنوان تجربه‌ای معنادار در بستر تاریخی و فرهنگی بررسی می‌کند.» هردو این متفکرین در چارچوب پدیدارشناسی به دنبال کشف عمق معنوی و فلسفی معماری اسلامی هستند، با این تفاوت که کربن تأکید بیشتری بر فلسفه و معنویت دینی دارد و استیرلن بر تحلیل ساختاری و تاریخی تمرکز بیشتر دارد.

1. Oleg Grabar

2. Richard Ettinghausen

3. Hanry Corbin

4. Hanry Sterlin

امین‌پور و همکاران (۱۳۹۷) در مقاله خود تحت عنوان روش‌شناسی نظریه پردازی هنر و معماری اسلامی به بررسی و تحلیل موضوع پرداخته و روش شناختی نظریات هنر و معماری اسلامی را به پنج گروه تاریخ نگاری، سنت گراها، نظری-فلسفی معناگرا، نص گرایی و روش فقه نظام تقسیم کرده و به تفصیل به شرح و روش هر گروه پرداخته است.

دل‌زننده (۱۴۰۳) در مقاله خود به مرتبه بندی و سطح بندی تعاریف و شیوه‌های نگرش به معماری اسلامی بر پایه هستی‌شناسی و شناخت‌شناسی اسلامی پرداخته است و استنتاج می‌کند که در تعریف معماری اسلامی لازم است با یک نگاه مجموع نگر، همه مراتب و پهنه‌ها را دخیل دانست و در این چارچوب، معماری را اثر منبعث از جهان بینی دینی، فلسفی و علمی می‌داند که بر پایه حس، عقل و قلب، شکل گرفته است تا پاسخگوی نیازهای مادی و معنوی انسان باشد.

در حوزه روش‌شناسی برداشت از قرآن، صفایی حائری «عین، صاد» (۱۳۹۲) در کتاب خود با عنوان «روش برداشت از قرآن» با بیانی ساده و فهم‌پذیر، به تشریح روش‌های استخراج مفاهیم قرآنی در حوزه‌های مختلف و تفسیر علمی پرداخته است؛ به گونه‌ای که قابل استفاده عموم مخاطبان باشد و محدود به دانشمندان فقه و اصول نگردد. نکات مطرح شده در تفسیر موضوعی و استخراج مفاهیم قرآنی بر اساس کلیدواژه‌ها که در این مقاله مورد استفاده قرار گرفته، مستند به همین کتاب است. محمد دشتی (۱۳۷۸) نیز در کتابی با همان عنوان «روش برداشت از قرآن» مباحث مشابهی را ارائه کرده است. اخوت (۱۳۹۳) در مقاله خود تحت عنوان «بررسی روش‌ها و راهبردهای تحقیق در مطالعات میان‌رشته‌ای قرآن کریم» دسته‌بندی جامعی از روش‌های تفسیر موضوعی قرآن، شامل راهبردهای آیه‌محور و سیاق‌محور، ارائه نموده است. در این رویکرد، پژوهش‌گر بر اساس موضوع مورد مطالعه، کلیدواژه‌های مرتبط را در متن قرآن شناسایی نموده و سپس آیاتی که حاوی کلیدواژه‌ها یا مشتقات آن‌ها هستند را انتخاب و مورد تدبر قرار می‌دهد. رضایی اصفهانی (۱۳۸۸) نیز در حوزه روش‌های برداشت علمی از قرآن، مطالعات جامع و مفصلی انجام داده و مراحل مختلف برداشت، موانع و خطاهای احتمالی در تأویل و تفسیر علمی قرآن را به تفصیل در چندین مقاله و کتاب بیان کرده است.

مقالات و کتاب‌های دیگری هم از پژوهش‌گران در استخراج مفاهیم معماری از قرآن کریم و متون دینی مطالعه گردید که قسمت روش‌شناختی آنها به‌طور خلاصه به این موارد محدود می‌شد: گروه اول، بیشتر

مطالعات با رویکرد بین‌رشته‌ای سعی در کشف پیوند میان مفاهیم قرآنی و حوزه‌هایی مانند هنر، محیط‌زیست و علوم انسانی داشته‌اند؛ گروه دوم عمده رویکردها بر استخراج اصول کلی اخلاقی و ارزشی تمرکز داشته‌اند و کمتر شاخص‌های عینی و قابل‌سنجش ارائه داده‌اند؛ گروه سوم برخی پژوهش‌ها از تحلیل محتوای کیفی یا ساختارهای معنایی برای استخراج مفاهیم استفاده کرده‌اند، اما عمدتاً نتایج، توصیفی و توصیه‌ای بوده‌اند و ابعاد اثباتی یا تجربی نظریه معماری کمتر موردتوجه بوده است.

در این مقاله، تلاش بر این است با مطالعه، دسته‌بندی و تحلیل پژوهش‌های پیشین، به یک روش و مدل منسجم و کامل برای استخراج مفاهیم و شاخص‌های معماری و نظریه‌پردازی در این حوزه، اعم از نظریه‌های هنجاری و اثباتی، دست‌یافت. طبیعی است که این پژوهش خالی از کاستی نیست و نیازمند تکمیل و بازنگری بیشتر از طریق مطالعات آتی است.

چهارچوب نظری پژوهش

۱- روش‌شناسی برداشت از قرآن کریم

در راستای استخراج و برداشت مفاهیم معماری اسلامی از قرآن، به آن جهت که در پژوهش‌های میان‌رشته‌ای قرآن کریم، یافته‌های پژوهش از طریق داده‌های آماری یا کمی کردن به دست نیامده است و در واقع توصیفی کیفی از موقعیت‌ها، حوادث و یا مقایسه‌ای موضوعی با دیگر مباحث علمی اثبات شده است، (که این هدف با تمرکز بر جزئیات و تلاش برای ارائه تأویل و تفسیر معانی صورت می‌پذیرد)، روند این پژوهش‌ها از نوع توصیفی خواهد بود. (اخوت، ۱۳۹۳: ۲۵)

پژوهش توصیفی به دو نوع محض و تحلیلی تقسیم می‌شود؛ در نوع محض، محقق صرفاً به ثبت و توصیف وضعیت و ویژگی‌های موجود می‌پردازد، اما در توصیفی تحلیلی علاوه بر توصیف، به تبیین چرایی و چگونگی وضعیت نیز می‌پردازد. در این رویکرد، متغیرها ثابت بوده و پژوهش‌گر بدون مداخله، به تحلیل داده‌های واقعی می‌پردازد. مطالعات بین‌رشته‌ای قرآن کریم از آنجاکه متغیر اصلی آن ثابت است، در زمره پژوهش‌های توصیفی - تحلیلی جای می‌گیرند که از طریق تفسیر و تحلیل محتوای آیات به فهم عمیق مفاهیم می‌رسند.

(اخوت، ۱۳۹۳: ۲۶)

علاوه بر آن پژوهش میان‌رشته‌ای قرآن با توجه به اینکه توصیفی بوده و از طریق تحلیل و تفسیر و تدبر در متن آیه‌ها و کلیدواژه‌ها انجام می‌شود یک پژوهش توصیفی تحلیلی و از نوع تحلیل محتوا است. (اخوت، ۲۷:۱۳۹۳)

از طرفی چون در پژوهش‌های میان‌رشته‌ای قرآن برای پژوهش دقیق‌تر نیاز است به مباحث هر دو رشته مراجعه گردد، از این‌رو روش تحقیق، روش تطبیقی یا مقایسه‌ای نیز خواهد بود و به علت اینکه میزان و شکل اطلاعات درباره هر دو رشته یکسان نبوده و قرآن و اجزای متن آن به‌عنوان شاخصه‌های یاری‌رسان برای شناخت معماری اسلامی است، روش پژوهش، تطبیقی - نامتوازن خواهد بود. (سعدوندی و همکاران، ۸۹:۱۳۹۲)

پس به‌طور خلاصه باید عنوان کرد که رویکرد پژوهش میان‌رشته‌ای (معماری اسلامی و قرآن کریم) کیفی و از نوع توصیفی - تحلیل محتوا و ماهیت آن تطبیقی نامتوازن است.

۲. رابطه دین و معنویت با معماری اسلامی

در پژوهش‌های متعدد، رابطه بین عرفان و حکمت معنوی با معماری اسلامی مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است، از جمله در مقاله «تأملی در نسبت حکمت معنوی با معماری و شهرسازی، در خلق فضاهای معنادار»، برای رفع گسست بین طراحی‌های معاصر و طراحی معنادار سنتی، پنج راهبرد، برای بازتعریف جایگاه حکمت در طراحی فضایی پیشنهاد شده است که از آن جمله طراحی از مسیر شهود و پالایش درونی، تدوین زبان الگو و بانک دانش معماری سنتی، بازآفرینی شهری با منطق حکمت عملی، احیای انتقادی الگوهای بومی و ارتقای رویکرد شهرسازی و معماری معناگرا در مقیاس کلان، هستند. (بهرام‌پور و اسفندیار، ۱۱۸-۱۱۹:۱۴۰۴)

دین در حقیقت مجموعه‌ای است از عقاید، دستورات و قوانین که هم اصول فکری انسان را هدف قرار می‌دهد و هم گرایش‌ها و رفتارهای او را سامان می‌بخشد. این نظام جامع، تمامی ابعاد زندگی فردی و اجتماعی انسان را تحت پوشش قرار می‌دهد و برای ساماندهی روابط انسانی و اجتماعی کارآمد است. دین، به‌ویژه دینی که مبتنی بر وحی الهی است، رسالتی اساسی در تربیت و پرورش انسان بر عهده دارد. این نظام و حیانی، به‌عنوان

منبع هدایت، اساس اداره و تنظیم جامعه انسانی را فراهم می‌آورد. بر اساس آموزه‌های وحیانی، دین به‌طور کلی از سه بخش اساسی تشکیل می‌شود. (مظاهری، ۱۳۹۰: ۱۴-۱۳)

اعتقادات اسلامی، بنیان‌های فکری و روحی مسلمانان را شکل می‌دهند و شامل باورهایی چون توحید، رسالت پیامبران، قرآن و معاد هستند که در دانش کلام و فقه مورد بررسی قرار می‌گیرند. این باورها نه تنها زیربنای نظری، بلکه اساس رفتار فردی و اجتماعی مسلمانان‌اند. اخلاق اسلامی به ویژگی‌هایی چون صداقت، امانت‌داری، وفاداری، سخاوت، بردباری، عدل و گذشت می‌پردازد و منظومه‌ای از رفتارهای متعالی را برای توسعه جامعه تأکید می‌کند. پیامبر اسلام (ص) اهمیت ویژه‌ای به مکارم اخلاق در شکل‌دهی رفتار مسلمانان داده است. احکام اسلامی که در فقه مورد بحث‌اند، شامل دستورات عملی در عبادات (نماز، روزه، زکات، حج) و مقررات زندگی روزمره (معاملات، ازدواج، ارث) هستند. این احکام مبتنی بر قرآن، سنت و اجماع فقها چارچوب عملی زندگی مسلمانان را فراهم می‌آورند.

پیوند این سه رکن در ساختارهای اعتقادی، رفتاری و قانونی دین اسلام، نقش اساسی در شکل‌گیری نظام ارزشی و فرهنگی جوامع اسلامی داشته و مبنای نظری و عملی حوزه‌های مختلف از جمله معماری اسلامی قرار گرفته است. (مظاهری، ۱۳۹۰: ۱۵) فلذا معماری اسلامی فراتر از یک شیوه هنری و فنی است؛ این حوزه چندلایه و پیچیده از جهان‌بینی اسلامی، اعتقادات، اخلاق و احکام شرعی در قالب کالبد، فرم‌های هندسی، نظم فضایی و کارکردهای اجتماعی تجلی می‌یابد و هویت و فرهنگ اسلامی را در مساجد، خانه‌ها، مدارس، بازارها و فضاهای شهری بازنمایی می‌کند.

اعتقادات اسلامی، به‌ویژه باورهایی مانند توحید و معاد، اساس نظم هندسی و تکرار الگوها را شکل می‌دهند که نماد وحدت خداوند است. معماری مساجد فضایی آرامش‌بخش و حاوی معانی عمیق معنوی فراهم می‌آورد، و تعادل و تناسب در اجزای معماری، نمادی از عدالت الهی و تأمین نیازهای مادی، روانی و معنوی انسان است. جهت‌گیری به قبله و تأمین شرایط عبادت از شاخصه‌های کلیدی اعتقادی معماری است.

در حوزه اخلاق، مفاهیمی چون تواضع، صداقت، اخلاص، قناعت، احترام به انسان و طبیعت، و مسئولیت‌پذیری، راهنمای فرایند طراحی‌اند. معماری سنتی با رعایت حریم خصوصی، توجه به آسایش ساکنان و دعوت به تواضع، نمود یافته است. به‌کارگیری عناصر طبیعت، همچون نور و آب نمایانگر پاکی و

زیبایی است. اجتناب از اسراف و تجمل‌گرایی و انتخاب مصالح بومی، نشان‌دهنده التزام اخلاقی معماران به محیط‌زیست و جامعه است.

احکام شرعی نقش تضمین‌کننده دارند و بر رعایت حیا، پاکیزگی، نظم و حفظ استقلال فرهنگی و دینی تأکید دارند. اصولی مانند رعایت حریم خصوصی، حرمت تقلید از الگوهای بیگانه، قاعده نفی سبیل و ضرورت پاکی و پیشگیری از آسیب به انسان و محیط‌زیست در طراحی لحاظ می‌شوند.

همانگی سه رکن «اعتقادات، اخلاق و احکام» چارچوبی منسجم برای شکل‌دهی به نظریه‌های هنجاری معماری اسلامی فراهم می‌آورد که کالبد، معنا و عملکرد را در یک کل واحد بازتاب می‌دهد و ضمن حفظ اصالت دینی و فرهنگی، فضایی انسانی، معنوی و پایدار خلق می‌کند. به عبارت دیگر، معماری اسلامی به تعبیر دقیق علمی، نظامی جامع است که هم‌زمان از ظرفیت‌های سمبلیک، کارکردی و اجتماعی بهره می‌برد و بر مبنای اعتقادات، اخلاق و احکام اسلامی، ساختاری ویژه و منحصر به فرد خلق می‌کند که علاوه بر زیبایی‌شناسی، حامل پیام‌ها و ارزش‌های دینی و فرهنگی است. (ذوالفقارزاده و مافی، ۱۴۰۱: ۳۵-۳۱)

۳. برداشت از قرآن کریم

در لغت‌نامه دهخدا واژه برداشت به معانی استنباط، استنتاج، بازیافت، تلقی، درک، دریافت، جمع‌آوری، حاصل، حاصل‌برداری، محصول‌برداری، بهره‌برداری کردن، ضبط، اخذ، بازستانی، دریافت، بردباری، تحمل، صبر آمده است؛ بنابراین کلمه برداشت به معنای جمع‌آوری یا گرفتن چیزی از یک منبع است. در زمینه‌های اجتماعی و انسانی، این واژه به معنای تفسیر یا درک یک موضوع یا مفهوم نیز به کار می‌رود. به عنوان مثال، برداشت فردی از یک کتاب متفاوت است به معنای این است که فرد نظر یا تفسیر خاصی از محتوای کتاب دارد. عبارت برداشت یا روش تفسیر علمی از قرآن به معنای استفاده از منبع خاص در تفسیر است که معانی و مقصود آیه را روشن ساخته و نتایج مشخصی را به دست آورد. در مورد واژه تفسیر تعریف‌های گوناگونی ارائه شده که حاصل آن پرده‌برداری از ابهامات کلمه‌ها و جمله‌های قرآن و توضیح مقاصد آنها است. (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۸: ۱۱۵)

الفاظ و مفاهیم قرآنی در هر عصری مصادیق جدیدی پیدا می‌کنند مثل واژه (عمد) در آیه «اللَّهُ الَّذِي رَفَعَ السَّمَاوَاتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا» (رعد: ۲) که به معنای ستون‌هاست ولی در طول زمان مصادیق متعددی مثل ستون خیمه و ستون‌های فولادی و نیز نیروهای ستون مانند مثل نیروی جاذبه پیدا کرده است. بنابراین کشف مصادیق جدید دلیل عظمت قرآن و اوج بلاغت آن است که محصور زمان ماست. (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۸: ۱۳۳) از گذشته تاکنون مفسران، دانشمندان، فلاسفه اسلامی و متخصصان علوم تجربی زیادی بوده‌اند که طرفدار تفسیر علمی قرآن بوده و از علوم تجربی و قرآن در پژوهش‌های میان رشته‌ای استفاده کرده‌اند. از آن جمله می‌توان، ابن سینا، ابو حامد غزالی، امام فخر رازی، علامه محمدباقر مجلسی ملاصدرای شیرازی و از دانشمندان معاصر می‌توان به آیت‌الله طالقانی، محمدتقی شریعتی، دکتر پاک‌نژاد و مهندس بازرگان اشاره کرد. (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۸: ۱۳۷)

آیت‌الله علی صفایی حائری، در کتاب برداشت از قرآن، مراحل و اصول برداشت از قرآن را در موضوعات مختلف تجربی و انسانی شرح داده است و بیان کرده است که قرآن وجه‌های مختلف دارد و برای هر وجه باید از روشی خاص استفاده نمود و این روش‌ها شامل ترجمه و تفسیر، ظهر و بطن، تأویل و تنزیل، روح و نور است. (صفایی حائری، ۱۳۹۲: ۱۲-۱۰) تمام ژرفا و وسعت معانی قرآن به این خاطر است که آیه‌ها مانند حروف الفبا هستند و می‌توان هر آیه را با آیه دیگر جمع کرد و از آن یک معنا و یک کلمه جدید ساخت و ویژگی منحصر بفرد قرآن است که تدبر کنندگان و راسخون در علم می‌توانند، کلمه‌هایی تازه تهیه کنند، همان‌طور که زبان‌شناس در زبان می‌تواند با تلفیق الفبا کلمه‌ای تازه بیافریند. همان‌گونه که حضرت علی (ع) با تلفیق دو آیه ۲۳۳ سوره بقره و آیه ۱۵ سوره احتقاف مدت زمان شیردهی نوزاد را استخراج می‌کند. (صفایی حائری، ۱۳۹۲: ۶۰) آیه «وَلَا زُطِ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ» (انعام: ۵۹) مؤید همین موضوع است که از ترکیب آیه‌ها و تلفیق آنها قطعاً کلمه‌ها و مطالب زیادتری بدست می‌آید که حتی وسعت هستی را در برمی‌گیرد و همه هستی را توضیح می‌دهد و هیچ خشکی و تری را فرونگذارد. (صفایی حائری، ۱۳۹۲: ۶۱)

۴. نحوه برداشت و جمع‌آوری اطلاعات از قرآن

در پژوهش‌های قرآنی و مطالعات تطبیقی بین قرآن و سایر علوم و روش‌های فهم متون دینی از دیرباز بین همگان اتفاق نظر وجود نداشته است و همین روش فهم دین، سبب به وجود آمدن انشعاب در فرق اسلامی

بوده است. گروهی درک دین را جز با قرآن و عده‌ای دیگر تنها با حدیث و روایت روا ندانسته‌اند و گروهی نیز قیاس و تمثیل و استحسان و تأویل را جایز شمرده و برخی منکر تعقل در دین شده‌اند. (مطهری، ۱۳۷۲: ۲۵) درحالی‌که همگان به تدبیر در قرآن دعوت و ترغیب شده‌اند. اگرچه هرکس به تناسب سطح معرفتی خود از آن بهره خواهد برد و البته فرد بهره‌مند باید به قواعد ادبیات عرب و سایر علوم پایه مؤثر در فهم قرآن آگاه باشد و یا از مطلع یاری گیرد. (جوادی آملی، ۱۳۷۹: ۴۲) قرآن کتاب هدایت و راهنمایی همه انسان‌ها در همه اعصار است و مختص به زمان خاص یا محل مخصوص یا نژادی خاص نیست، همچنین زبان قرآن زبانی جهانی و همراستا با فطرت انسان‌هاست. (روم: ۳۰) در این بین لازم است محقق به آسیب‌های احتمالی در پژوهش خود از جمله تفسیر به رأی و برداشت اشتباه از آیات قرآن توجه داشته باشد.

جدول ۱: مبانی و آسیب‌های احتمالی در برداشت از قرآن مأخذ: نگارندگان برگرفته از

(اخوت، ۱۳۹۳: ۳۷؛ رضایی اصفهانی، ۱۳۸۸: ۱۳۸)

مبانی و قواعد و آسیب‌های خاص احتمالی در پژوهش‌های بین‌رشته‌ای قرآن		
مبانی و قواعد	توضیح	روش
جواز و حجیت برداشت علمی	نیاز به دلایل و قراین قطعی و علمی	مراجعه به آیات دیگر+روایت معصومین+برهان عقلی+پافته‌های علمی قطعی به‌عنوان قرینه فهم و تفاسیر آیات
ممنوعیت کاربرد غیرعلمی در برداشت از قرآن	کشف معانی و مقاصد آیات و بیان مراد استعمالی و جدی در آیات که نیاز مند دلیل است.	پذیرش دلایل باعقل و ممنوع نبودن از طرف شارع
گستره و قلمرو قرآن و علوم	اشارت قرآن به صورت خطوط کلی در راستای هدایت بشر	تعامل قرآن و علوم انسانی و جهت‌دهی به علوم بشری و تولید علم جدید
سازگاری علم و قرآن	تشویق قرآن به علم و کسب آن	علم‌ستیزی در قرآن وجود ندارد.
عدم تعارض واقعی بین قرآن و علم	رفع تعارض ظاهری با اندک تأمل	مطالعات کامل و مراجعه به تفاسیر معتبر

معمولاً پژوهش‌های قرآنی در معماری با یک راهبرد و روش خاص انجام نمی‌شود. نکته مهم این است که این پژوهش‌ها همگی از جنس تدبر هستند و هیچ‌یک ادعای تفسیر آیات قرآن را ندارند. ازاین‌رو، در صورت برخورداری از عمق لازم در تدبر می‌توان آن‌ها را در دسته‌بندی تفسیرهای قرآن با سبک و جهت‌گیری معماری یا حتی روش زندگی طبقه‌بندی کرد. (اخوت، ۱۳۹۳: ۳۰)

میشم لطیفی در مقاله خود با عنوان «روش‌شناسی راهبردهای تدبر در قرآن کریم» پنج راهبرد به شرح جدول زیر برای شناخت انواع پژوهش‌های میان‌رشته‌ای معماری و قرآن و نقاط قوت و ضعف آنها ارائه داده است:

جدول ۲: راهبردهای پژوهش در قرآن در تحقیقات میان رشته‌ای مأخذ: (لطیفی، ۱۳۹۰: ۵۱؛ اخوت، ۱۳۹۳: ۳۱)

محدودیت‌ها و نقاط ضعف	نقاط قوت	توضیح	راهبرد
محدودیت در کلیدواژه‌ها خصوصاً در باب موضوعات جدید-غفلت از مفاهیمی که در آیات دیگر هستند؛ ولی کلیدواژه محقق در آنها نیست.	-سہولت در دست‌بندی نکات تدبیری ذیل هر آیه-سرعت بالای محقق در مقایسه با راهبردهای دیگر	متناسب با موضوع کلیدواژه‌های متناظر در قرآن انتخاب می‌شود. سپس آیاتی که حاوی کلیدواژه‌ها و مشتقات و مترادف آنها هستند انتخاب و در آنها تدبیر می‌شود.	آیه محور
-ابهام در تقسیم‌بندی سیاق‌ها-زمان بر بودن پژوهش در مقایسه با راهبرد آیه محور	-توجه به سیاق‌ها و اکتفا نکردن به تک آیه‌ها-انعطاف در گسترش و یا ضیق موضوع	همانند آیه محور است با این تفاوت که آیه در قالب سیاق بررسی می‌شود (مانند دسته آیات کنار هم با عنوان رکوع)	سیاق محور
-همه ابواب موضوع لزوماً در یک سوره نیامده است-غفلت از ابعاد دیگر موضوع در آیات و سوره‌های دیگر	-سازگاری با تقسیم‌بندی توفیقی رسول اکرم از قرآن بر اساس سوره- مشخص بودن محدوده پژوهش برای پژوهشگر	سوره خاصی که غرض اصلی در آن وجود دارد آیه به آیه بررسی می‌شود پیش از آنکه مسئله خاصی مدنظر باشد.	سوره محور
-محدودیت در تعداد داستان‌های قرآنی و نبود قرآن در مقام داستان‌گویی -محدود نبودن نکات به داستان‌ها و بیان نکات مهم در خارج قالب داستان‌های قرآنی	-جذابیت، ملموس بودن و فهمیدنی بودن داستان -مشخص بودن محدوده آیات و داستان‌های قرآنی	بررسی داستان‌های قرآنی در کل قرآن به جای تأکید بر آیه، سوره و یا سیاق خاص	داستان محور
-احتمال طراحی ضعیف مسائل-زمان بر بودن در مقایسه با همه راهبردهای قبلی-همه افراد به لحاظ علمی توانای اجرای چنین تحقیقی را ندارند.	-مسئله محور بودن و قابلیت پاسخگویی به مسائل نو-محدود نبودن به کلیدواژه، سیاق، سوره و داستان-جامعیت در بررسی همه آیات	متناسب با موضوع پژوهش مسائل متناظر در معماری شناخته و با مرور کل قرآن و تدبیر در آیات بررسی می‌شوند. محقق نکات تدبیری ذیل هر آیه را به صورت شبکه‌ای مفهومی مرتب می‌کند.	مسئله محور

پژوهش‌های میان‌رشته‌ای معماری با قرآن عمدتاً بر روش‌های آیه محور و سیاق محور متمرکزند. در این رویکرد، پژوهشگر آیات مرتبط با کلیدواژه‌ای مانند «خانه» را استخراج و با رجوع به تفاسیر معتبر، جایگاه و

مفاهیم معماری را تبیین می‌کند. این روش، شناخت دقیق و بایسته‌ای از مفاهیم و ساختارهای معماری قرآن محور را فراهم می‌کند. (اخوت، ۱۳۹۳: ۳۲)

۵. نظریه‌پردازی در معماری اسلامی

روش‌شناسی برداشت از متون دینی در معماری اسلامی ترکیبی از تحلیل متون دینی، تطبیق با نمونه‌های عملی، رویکردهای فقهی و تحلیل داده‌های گردآوری شده است. موفقیت این روش مستلزم توجه هم‌زمان به مبانی قرآنی، نیازهای فرهنگی-اجتماعی و نوآوری‌های فنی است؛ مثلاً مفهوم «حریم» در قرآن، علاوه بر خانه‌های سنتی، در شهرسازی معاصر با تأکید بر حریم عمومی و خصوصی قابل بازتعریف است.

روش‌های نظریه‌پردازی هنر و معماری اسلامی را می‌توان به دو گروه اصلی تقسیم کرد: گروه اول روش‌ها و رویکردهایی هستند که نگاه‌شان به معماری و هنر اسلامی به‌عنوان پدیده‌ای است که در برهه‌ای از تاریخ و پاره‌ای از جغرافیا به وجود آمده و پس از مدتی رو به خاموشی نهاده که روش تاریخ‌گرایانه جزو این دسته‌اند و همچنین روش‌هایی که عقل‌گرایانه بدون در نظر گرفتن وحی به تعریف معماری می‌پردازند. گروه دوم بر خلاف گروه اول با دیدگاه متمایز به معماری اسلامی نگرسته و آن را نتیجه تأثیر حکمت و عرفان و تفکر اسلامی می‌دانند که سنت‌گرایان از این جمله‌اند. (امین‌پور و همکاران، ۱۳۷۹: ۷۳)

از سوی دیگر، در مقالات و منابع مختلف و به‌خصوص در مقاله «مرتبه‌بندی تعاریف و شیوه‌های نگرش به معماری اسلامی» نحوه نگرش، به سه دسته کلی ساختارگرایی، صورت‌گرایی و محتواگرایی تقسیم شده‌اند و در پژوهش‌های دیگر با معرفی گروه پدیدارشناسانه دسته دیگری که در واقع ترکیبی از گروه‌های قبلی، می‌تواند باشد، معرفی شده و هر گروه خود به شاخه‌های مختلفی دسته‌بندی شده است. در جدول زیر خلاصه این دسته‌بندی و توضیح مختصری در مورد هر روش آمده است.

جدول ۳: دسته‌بندی شیوه‌های نگرش به معماری اسلامی از نگاه نظریه‌پردازان مأخذ: نگارندگان با برداشت از (دل زنده و

همکاران، ۱۴۰۲: ۸۳؛ سلیمی و همکاران، ۱۳۹۹: ۲۶۷)

نگرش	شیوه نگرش	دیدگاه‌های اصلی در رابطه با تعریف و مفهوم معماری اسلامی	نظریه‌پردازان
------	-----------	---	---------------

ساختارگرایی	ساختارگرا	بررسی فنون ساخت و مسائل فیزیکی ساختمان	پیرنیا، توسلی
	فرمگرا	بررسی الگوهای فرمی	هیلن براند، پوپ و گروپ، هرتسفلد
	فضاگرا	بررسی الگوهای چیدمان فضا	کلاوس هروگ
صورت‌گرایی	ظاهرگرا	توجه نمادین به معماری اسلامی و تطبیق الگوهای فرمی با الگوهای رفتاری، اجتماعی	معماران معاصر علاقمند به معماری اسلامی
	تاریخ‌گرا	تطبیق الگوهای فرمی معماری با حوادث تاریخی و سیاسی	سواژه، کرسول، گرابر
	جامعه‌گرا	تطبیق الگوهای فرمی با رفتار جمعی	معماران
	فرهنگ‌گرا	تطبیق الگوهای فرمی معماری با الگوهای ذهنی جمعی	جرج میشل
	سنت‌گرا	توجه به رابطه انسان با هستی، خداوند و معنویت در کنار توجه به ذات طبیعت و بازگشت به تاریخ	کوماراسوای، کریشر
	معناگرا	باطن‌گرایی، رمزپردازی، تصوف و قوت کلیدواژه اساسی این شیوه نگارش است.	نصر، اردلان
محتوگرایی	نظری - فلسفی	جایگاه ویژه برای عقل و نظر در کنار عقل شهودی نقره‌کار و همکاران: روش تأویلی و تعبیری ندیمی: روش بازگشت به فطرت	نقره‌کار، ندیمی، تقی‌زاده، حجت
	نص‌گرایی	مراجعه به منابع روایی و استخراج متون و مفهوم‌گیری و مفهوم‌سازی و ارائه نظریات	هشام مرتضی، قربانی منان رنیزی
	فقه نظام	توجه به استنباط حکم شرعی از منابع اصلی شریعت یعنی قرآن و سنت و احکام دیگر - روش اجتهادی	محسن اراکی
	تن‌یافتگی (توصیفی)	بر تجربه چند حسی بدن و تعامل آن با فضای معماری تأکید دارد و معماری را نه صرفاً فرم بلکه زیست‌بوم وجودی انسان می‌بیند.	یوهانی پلاسما
پدیدارشناسانه	هرمنوتیکی (تفسیری)	با بازخوانی معنا و تفسیر مواجهه انسان با فضا، به فهم عمیق‌تر ساختار مفهومی و معنا بخشیدن به معماری اسلامی می‌پردازد.	کریستین نوربرگ شولتز، هانری استیرلن
	ترکیبی	ضمن توصیف حضور و کارکرد و تجربه معنوی مخاطبان، اهمیت تعامل حسی و معنایی با معماری را برجسته می‌کند.	پتر زومتور، هانری کرین

روش‌های ساختارگرایی و صورت‌گرایی، توانایی انتساب به اسلام و شکل‌گیری نظریه جدید در هنر و معماری اسلامی را ندارند؛ چراکه یا بر پایه تحلیل و برداشت از ساختار معماری و فرم در گذشته هستند و یا در معناگرایی به منابع معتبر مراجعه نمی‌کنند و بیشتر بر اساس قیاس و تمثیل ذوقی و شهود معمار پایه‌گذاری شده و نمی‌توان از آن به‌عنوان مدرکی مستدل از مکتب اسلام نام برد. (امین‌پور و همکاران، ۱۳۷۹: ۷۵)

نگرش پدیدارشناسی هرچند در فهم متون مختلف مفید است؛ ولی برای تمام آیات قرآن کارآمد نیست و تنها در مواردی که آیات به‌وضوح سخن می‌گویند و نیاز به پیش‌فرض ندارد، مناسب است. از این‌رو، در معماری اسلامی که نیازمند برداشت‌های عمیق و مبنایی از مفاهیم قرآنی است، روش پدیدارشناسی به دلیل تمرکز بر توصیف صریح پدیده‌ها و عدم توجه به زمینه‌های پیچیده و تفسیر موضوعی گسترده، مناسب نیست. (حسینی‌پور و جودوی، ۱۴۰۲: ۲۷) گروه محتواگرا نیز نقدهایی بر آن وارد است که در کل یک گره روش‌شناسی در نظریه پردازی معماری اسلامی را نشان می‌دهد.

جدول ۴: نقد و بررسی نگرش‌های مختلف نظریه پردازی معماری اسلامی در محتواگرایی مأخذ: نگارنده با برداشت از

(امین‌پور و همکاران، ۱۳۷۹: ۸۹؛ دل‌زنده و همکاران، ۱۴۰۲: ۸۳)

روش	نقد روش
سنت‌گرا	مبتنی بر شهود است و امروزه شهود تضعیف شده و این روش خلأ دارد. سنت‌گرایی از آن روز در نقد مدرنیته ناکام ماند که روش مرموز و غیرمعمولی را یکار می‌گیرد و جزئیات تاریخی را نادیده گرفته و دچار نوعی ساده‌انگاری شده است.
نظری-فلسفی	تأویلات و تعبیرات به‌دست‌آمده بر اساس عقل بشری و بر اساس تراوش‌های ذهنی بشری است و نمی‌توان به‌طور محکم به‌عنوان سند اسلامی به آن تکیه کرد.
نص‌گرایی	فقط در بخش هنجاری است و نظریات توصیفی واقعی توان به آن منتسب نمود، متخصصان فنی اطلاعات فقهی ندارند و مجتهدان فقیه اطلاعات مهندسی ندارند. در این روش هنوز گره‌های روش‌شناسانه زیادی وجود دارد.
فقه نظام	روشی برای ارائه نظریات توصیفی اراده نمی‌کند به‌تجوی که قابل‌استناد به صفت اسلامی باشد و دوم آنکه نمی‌تواند مسائلی توسعه‌یافته و موضوعات اجتماعی باشد. نیازمند منطقی است که هماهنگی بین روش‌های موضوع‌شناسی و حکم‌شناسی را برقرار کند.

همان‌طور که از برآیند روش‌های نظریه‌پردازی مشاهده می‌شود، روش‌های محتواگرایی انجام شده نیز همگی منجر به تولید نظریه‌ای هنجاری در معماری اسلامی بوده‌اند، حال‌آنکه در دنیای امروز نیازمند دستیابی به شاخصه‌های اثباتی و توصیفی در طراحی و نظریه‌پردازی معماری هستیم.

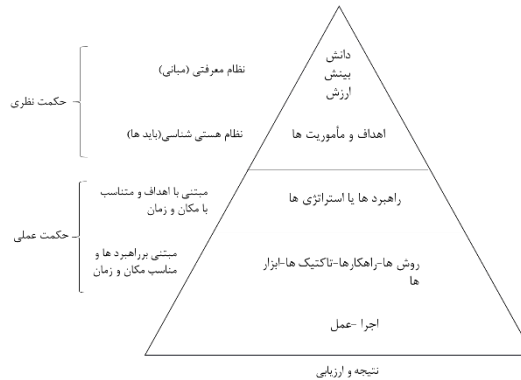
۶. نظریه‌پردازی در معماری اسلامی با برداشت از قرآن کریم

در هیچ جای قرآن، احکام و مواردی که مستقیماً بتوان از آنها به عنوان توصیفی از مصنوعات یا راهنمایی برای ساختن تفسیر گردد، نیامده است و در مورد فعالیت‌های هنری و معماری هیچ تعریف مستقیمی ارائه نشده است؛ بنابراین بررسی مبانی معماری در قرآن کریم به یک کل منسجم ختم نمی‌شود و نهایتاً به مجموعه‌ای از مشاهدات و دریافت‌های پراکنده می‌انجامد. هنر پژوهش‌گر در مطالعات میان‌رشته‌ای معماری در این است که با تدبر دریافت‌های پراکنده را به یک کل منسجم تبدیل نماید. (اخوت، ۱۳۹۳: ۳۰)

پژوهش‌های بین‌رشته‌ای نیازمند مدل‌هایی هستند که بتواند دیتاهای به دست آمده از شاخه‌های متفاوت در پژوهش را به هم پیوند زده و در قالبی یکپارچه به پاسخگویی سؤال این گونه پژوهش‌ها بپردازد. روش مداسفا (مدل ارتباط سامان‌مند فکر و فعل در انسان) یکی از رویکردهای میان‌رشته‌ای است که باهدف فهم نحوه ارتباط درونی انسان با هستی، اندیشه، و کنش طراحی شده و می‌تواند بستری مناسب برای نظریه‌پردازی در معماری مبتنی بر مفاهیم اسلامی فراهم آورد. (نقره‌کار و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۳۷) این مدل به دنبال ترسیم رابطه درونی میان اندیشه (فکر) و کنش (فعل) در انسان است و تأکید دارد که کنش‌های انسان ریشه در نظام فکری او دارد و بر سامان‌مندی این ارتباط تأکید می‌کند، یعنی این که فکر و فعل انسان از منطق درونی خاصی پیروی می‌کنند که می‌توان آن را تحلیل، مدل‌سازی، و در فرایند طراحی بهره‌برداری کرد.

۷. کاربرد مدل مداسفا در نظریه‌پردازی معماری مبتنی بر برداشت از قرآن

معماری نه تنها بازتاب فکر طراح، بلکه تبلور کنش فرهنگی و وجودی انسان در فضا است. به واسطه مدل مداسفا می‌توان نشان داد که مفاهیم قرآنی در ذهن انسان نظام فکری ویژه‌ای می‌سازند که به کنش‌ها و رفتارهای خاص در محیط بدل می‌شود. از این رو، معماری باید نمود رابطه اندیشه و عمل باشد و نظریه معماری در این چارچوب باید توانایی تبیین چگونگی تجلی مفاهیم قرآنی در ذهن معمار و ظهور آن در طراحی کالبدی را داشته باشد. از مزایای روش مداسفا در تولید نظریه معماری قرآنی، تلفیق و تطبیق روش‌شناسی فکری-رفتاری با مبانی قرآنی، پرهیز از تقلید صرف از معماری سنتی و حرکت به سوی معماری مفهومی و معنادار، بستر مناسب برای طراحی معماری معاصر با الهام از قرآن و ایجاد پیوند میان هستی‌شناسی قرآنی و فرم/فضای معماری است. (نقره‌کار و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۴۰)



نمودار ۲: مدل ارتباط سامان‌مند فکرو عمل (مداسفا) مأخذ: (نقره کار و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۳۹)

چیستی و ماهیت پدیده‌ها و روابط میان آن‌ها «دانش» است و ترکیب این دانش‌ها «بینش» نامیده می‌شود. اهداف هر ساختار، رسیدن به ارزش‌ها و حذف ضدا ارزش‌ها از طریق مأموریت‌هایی است که به صورت طولی، عرضی یا ترکیبی سازماندهی می‌شوند. راهبردها، سیاست‌های کلان جهت‌دهنده برای دستیابی به اهداف‌اند و راه‌کارها روش‌های دقیق‌تر اجرایی هستند.

در مدل مداسفا، اعتقادات اسلامی شامل توحید، معاد، عدالت، نبوت و امامت، بینش فرد مسلمان را شکل می‌دهد. این بینش در تعامل با اخلاق اسلامی که شامل صداقت، رعایت حقوق، احترام به طبیعت و خدامحوری است، تجلی می‌یابد. مبانی اخلاق اسلامی اهداف و مأموریت‌های مداسفا را شکل داده و در تعامل با کالبد، معنا و عملکرد معماری، احکام معماری اسلامی را ایجاد می‌کند. نتیجه، شکل‌گیری راهبردها، روش‌ها و راه‌کارهای طراحی بر اساس این احکام است که نظریه‌های هنجاری معماری اسلامی را می‌سازد. به بیان دیگر، معماری اسلامی متأثر از جهان‌بینی دینی، فلسفی و علمی است که بر دانش قرآنی و عقلانیت استوار بوده و به علت پاسخگویی به نیازهای مادی و معنوی انسان، کامل‌ترین و اثربخش‌ترین آثار معماری را تولید می‌کند.

نظریه هنجاری در معماری، مجموعه‌ای از ارزش‌ها، بایدها و نبایدهاست که توسط معماران نظریه‌پرداز و جامعه به منظور خلق محیط‌های مطلوب و تعریف «معماری خوب» تعیین می‌شود. این نظریه‌ها ریشه در باورها، فرهنگ و اخلاق دارند و معیارهایی را برای سنجش کیفیت آثار معماری ارائه می‌کنند. در مقابل، نظریه اثباتی بر مشاهده و تحلیل علمی آنچه هست تمرکز دارد و

با بهره‌گیری از داده‌های تجربی، رفتارها، فرم‌ها و عملکردهای معماری را بی‌طرفانه می‌سنجد. در واقع، نظریه‌های هنجاری جهت‌دهنده اهداف طراحی هستند و نظریه‌های اثباتی امکان ارزیابی عینی و آزمون این اهداف را فراهم می‌آورند. این دو رویکرد مکمل و همپوشان یکدیگر در توسعه دانش معماری به شمار می‌روند. (خوشنویس و همکاران، ۱۴۰۲: ۱۴)

فرایند تبدیل نظریه هنجاری به نظریه اثباتی در معماری به این صورت است: در این فرایند، ابتدا ارزش‌های هنجاری معماری، مانند «ضرورت ایجاد احساس امنیت و تعلق در فضاهای عمومی»، به فرضیه‌های قابل آزمون بدل می‌گردد مانند: «آیا طراحی فضاهای عمومی بر احساس امنیت و تعلق کاربران مؤثر است؟» سپس، مفاهیم انتزاعی هنجاری همچون زیبایی یا امنیت به شاخص‌های قابل سنجش نظیر میزان استفاده، نظرسنجی کاربران یا نرخ وقوع جرم تبدیل شده و در استخراج از قرآن نیز کلیدواژه‌های هنجاری، بر پایه روش‌های آیه محور و سیاق محور، تفسیرپذیر می‌شوند.

در مرحله پژوهش تجربی، داده‌های عینی گردآوری و فرضیات اثباتی آزمون می‌شوند؛ در برداشت قرآنی، ویژگی‌های پنهان کلیدواژه‌ها از لایه‌های سیاقی و معنایی استخراج می‌شود. نهایتاً، نتایج پژوهش تجربی یا تحلیل قرآنی با اجماع خبرگان تطبیق یافته و بازخورد آن، موجب پالایش یا تقویت نظریه هنجاری اولیه و شکل‌گیری چرخه‌ای میان هنجار و اثبات در توسعه دانش معماری اسلامی می‌شود. (بابایی و ربیعی، ۱۳۹۵: ۶۷؛ اصغرزاده، ۱۳۹۳: ۱۳) به نظر می‌رسد می‌توان با بکارگیری مدل مداسفا برای تولید نظریه معماری اسلامی و با بکارگیری روش‌های محتوایی به‌عنوان استراتژی و روش‌های برداشت از قرآن کریم به‌عنوان تاکتیک و ابزار به هدف پروژه که نظریه‌پردازی در معماری اسلامی است دست یافت.

بحث و تحلیل و معرفی مدل

اعتقادات اسلامی و بینش اسلامی، دولایه به‌هم‌تنیده اما متمایز از نظام فکری اسلام را تشکیل می‌دهند. اعتقادات اسلامی متکی بر اصول بنیادین و گزاره‌های کلامی الزام‌آوری است که ایمان و التزام عملی مسلمانان را طلب می‌کند. (مانند توحید، نبوت، معاد، عدل، و امامت) این اصول،

سازه نظری و مبانی متافیزیکی اسلام را پدید می‌آورند. در مقابل، بینش اسلامی، منظومه‌ای ادراکی و تفسیری است که از دل این اعتقادات زاده می‌شود و به مثابه عدسی معرفتی، چگونگی نگریستن به جهان، انسان، مکان و کنش‌های اجتماعی را شکل می‌دهد. مهم‌ترین شاخصه‌های این بینش در حوزه عمل معمارانه عبارت‌اند از:

(الف) جهان‌نگری توحیدی: درک جهان به مثابه تجلی اراده حکیمانه الهی که مستلزم خوانش نشانه‌های ربانی در پدیده‌های طبیعی و انسانی است و در معماری، خود را در مفاهیمی چون "نظم کیهانی"، "جهت‌گیری قبله‌ای" و تلفیق معنویت با کارکرد نشان می‌دهد.

(ب) معناگرایی و غایت‌مداری: تأکید بر پیوند ذاتی فرم و محتوا، و کاربست فضا به عنوان بستری برای تعالی روحی و تحقق "حیات طیبه" (زندگی پاکیزه) که در سلسله‌مراتب فضایی (حیات → ایوان → گنبدخانه) و نمادپردازی‌های معمارانه (نور به مثابه رمز الوهیت) متجلی است.

(ج) عدالت فضایی و مسئولیت اجتماعی: باور به مسئولیت انسان به عنوان خلیفه الهی در زمین که الزامات اخلاقی "عدل" (قراردادن هر عنصر در جایگاه شایسته آن) و "احسان" (فراتر رفتن از حداقل‌ها) را در طراحی فضاهای عمومی، توزیع عادلانه امکانات، رعایت حقوق مجاورت و پرهیز از اسراف (مصرف بهینه منابع) ایجاب می‌کند.

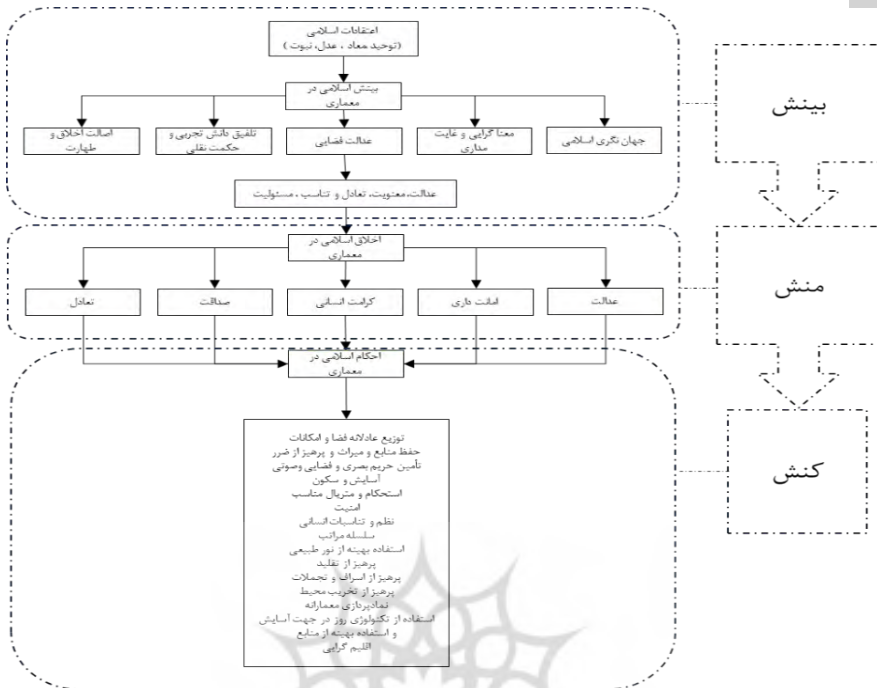
(د) تلفیق دانش تجربی و حکمت نقلی: اصالت بخشیدن به علم و خردورزی در کنار وحی که پایه‌های نظری تلفیق یافته‌ای برای پاسخگویی به نیازهای مادی و معنوی در تولید فضا (مانند اقلیم گرایی هوشمند توأم با زیبایی‌شناسی معنوی) فراهم می‌آورد.

(ه) اصالت اخلاق و طهارت: اولویت دادن به ارزش‌های اخلاقی در فرایند ساخت‌وساز و شکل‌گیری فضاهای کالبدی، متجلی در مفاهیمی چون "حیا" (حفظ حریم‌های بصری و صوتی) و "طهارت" (تمایزگذاری کارکردی فضاها و طراحی عناصر تطهیر)

به‌طور خلاصه، اعتقادات اسلامی به مثابه زیربنای نظری، چارچوبی تفسیری برای جهان و عمل انسان فراهم می‌آورد و در معماری اسلامی فراتر از جنبه‌های صوری و زیبایی‌شناختی، به سازمان‌دهی فضایی تبدیل می‌شود که ارزش‌های متعالی همچون عدالت، معنویت، تعادل و

مسئولیت را تجسم می‌بخشد. این نگرش که بر مبانی توحید و معادباوری استوار است، معماری را فعالیتی معنادار و پاسخ‌گو در برابر خدا، انسان و طبیعت تعریف کرده و کالبد شهر و بنا را عرصه‌ای برای تحقق غایات الهی حیات انسانی می‌سازد.

از دل این بینش، مبانی اخلاقی در معماری اسلامی استخراج می‌شود؛ اصولی همچون عدالت در توزیع فضا و امکانات، امانت‌داری در حفظ منابع و میراث، پاسداشت کرامت انسانی با تأمین حریم و تناسبات، صداقت در پرهیز از تزیینات فریبنده و تعادل در جلوگیری از اسراف یا تخریب محیط. این اصول اخلاقی در ادامه، با ورود به حوزه فقه و استناد به کتاب، سنت، عقل و اجماع - در پرتو مقاصد شریعت چون حفظ دین، جان و عقل - به ضوابط عینی و کاربردی بدل می‌شوند. نتیجه آن، بروز مجموعه‌ای از احکام معماری است؛ از جمله رعایت جهت قبله در مساجد، ایجاد حریم خصوصی و حجاب بصری، منع ساخت بناهای آسیب‌زننده به همسایگان، لزوم رعایت حقوق راه‌های عمومی، توصیه به بهره‌گیری از نور طبیعی و تهویه مناسب، و پرهیز از ساخت بناهای مبتذل یا تقلید صرف از فرهنگ‌های بیگانه. بدین‌سان، سیر منطقی از «بینش» به «اخلاق» سپس به «حکم»، چارچوبی منسجم و غایت‌مند برای معماری اسلامی پدید می‌آورد.



نمودار ۳: استخراج شاخص‌های توصیفی معماری از اعتقادات اسلامی مأخذ: نگارندگان

هرچند احکام معماری اسلامی عمدتاً ماهیت هنجاری دارند، پرسش اساسی این است که چگونه می‌توان از چارچوب هنجاری، به نظریه اثباتی در معماری اسلامی دست‌یافت. این فرایند با تلفیق روش برداشت علمی از قرآن و مکانیسم استخراج گزاره‌های اثباتی بر مبنای نظریه هنجاری، امکان‌پذیر است. بر پایه مدل مداسفا، در ابتدا اطلاعات و مبانی نظری مرتبط با موضوع معماری بر حسب دانش‌ها، بینش‌ها و ارزش‌ها در سه حوزه فرم، معنا و عملکرد، با استفاده از منابع معتبر گردآوری می‌شود؛ در نتیجه طیفی از کلیدواژه‌ها در این سه محور حاصل می‌گردد. در گام بعد، با مدل‌سازی مداسفا، کلیه اهداف، بایدها و نبایدها و مأموریت‌ها باتوجه به احکام، حقوق و اخلاق اسلامی و نیز عقاید مستخرج از قرآن، تدوین می‌شود. در پژوهش میان‌رشته‌ای معماری اسلامی، راهبرد محتواگرایی با تأکید بر فقه فردی و فقه نظام، راهبردی کلیدی در استخراج نظریه اثباتی از نظریه هنجاری به شمار می‌رود.

به جهت تعیین مرحله روش‌ها، راه‌کارها و تاکتیک‌ها برای جمع‌آوری اطلاعات و تعیین شاخص‌ها به روش‌های مختلف برداشت از قرآن نیاز است. برای مشخص کردن اهداف و مأموریت‌ها نیازمند روش‌های

سیاق محور، آیه محور و سوره محور و مسئله محور هستیم و برای تهیه و جمع آوری شاخص های کلیدواژه ها نیازمند روش آیه محور و سیاق محور هستیم. مراحل تبدیل ارزش های استخراج شده به شاخص ها به ترتیب زیر است:

۱. تبدیل ارزش ها به پرسش های پژوهشی: گزاره های هنجاری (مانند الزام به ایجاد حس آرامش در فضاهای درونی) به فرضیه های اثباتی قابل آزمون تبدیل می شوند. برای درک این مدل، به طور نمونه شاخص های نمای ساختمان مسکونی را در نظر گرفته می شود. نمای خانه مسکونی، پوشش و غشا و حجاب محل سکونت خانواده است، فضایی که باید باعث تعالی روح ساکنین، آرامش و سکینه قلبی و ذهنی آنها گردد؛ بنابراین نمای خانه مسکونی باید باعث سکینه و آرامش در فضای داخلی گردد و این منجر به سؤال پژوهشی می شود که: «آیا طراحی خاص و استفاده از متریال ویژه در نمای ساختمان، باعث ایجاد سکون و آرامش در فضای داخلی می شود؟»

۲. تعریف شاخص های سنجش: مفاهیم انتزاعی از طریق دو مسیر عملیاتی می شوند:

- (روش متداول): استفاده از شاخص های کمی (میزان استفاده از فضا، نظرسنجی)
 - (روش قرآن محور): بازگشت به قرآن و استخراج معیارها از طریق تحلیل آیه محور، سیاق محور و مسئله محور: جمع آوری و تهیه بانکی از کلیدواژه ها که در معنا، عملکرد و فرم با موضوع معماری تحت پژوهش مرتبط باشند، به طور مثال برای نمای ساختمان مسکونی، کلیدواژه های جداره، صورت، غشا، حجاب، محافظ، حریم، پوشش و غیره... است. هرچه تعداد کلیدواژه ها بیشتر باشد، این بانک غنی تر و شاخصه هایی که از قرآن استخراج می شود کامل تر خواهد بود. با مراجعه به قرآن و آیاتی که این کلیدواژه ها و مشتقات آنها، در معانی و یا خود آیه، نهفته است به مفاهیم هنجاری و تعداد کلیدواژه های بیشتر می رسیم. نمای ساختمان مسکونی فرد مسلمان باید به حفظ حریم خانواده کمک کند که از این جمله حریم بصری و صوتی است، همچنین آیه های مربوط به جلوگیری از اسراف و تبذیر و استفاده از منابع طبیعی، به طور بهینه مواردی هستند که در طراحی و ساخت، باید در نظر گرفته شود.

۳. پژوهش تجربی:

- (روش متداول): آزمون فرضیه ها با داده های میدانی (مشاهده، پرسش نامه)

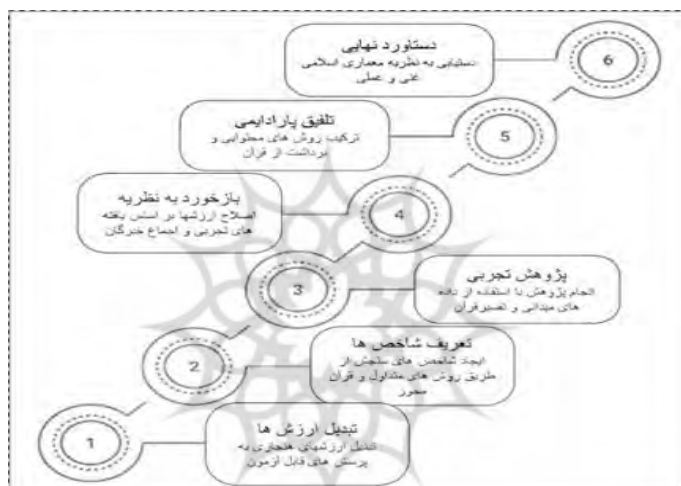
- (روش قرآن محور): کشف لایه‌های پنهان مفاهیم از طریق تفسیر قرآن به قرآن و تطبیق با علم روز: آیات حاوی کلیدواژه‌ها جمع‌آوری و بروش آیه محور و سیاق محور مورد مطالعه و تدبر قرار می‌گیرد. به‌طور مثال تنها برای کلیدواژه غشا، از یک نمونه، آیه ۷ سوره نوح «وَإِنِّي كُلَّمَا دَعَوْتُهُمْ لِتَغْفِرَ لَهُمْ جَعَلُوا أَصَابِعَهُمْ فِي آذَانِهِمْ وَاسْتَغْشَوْا ثِيَابَهُمْ وَأَصْرُوا وَاسْتَكْبَرُوا اسْتِكْبَارًا» فعل وَاسْتَغْشَوْا، از کلمه غشاء مشتق شده است و وَاسْتَغْشَوْا ثِيَابَهُمْ، ثیاب، نقش پوششی برای جلوگیری از شدت نور، گرما، سرما و کاهش شدت صوت بوده است، می‌توان به متریال ثیاب (جامه‌ها) آن زمان که پشم بز و گوسفند و شتر بوده، به‌عنوان وسیله‌ای برای بهبود عملکرد آکوستیکی جداره خارجی ساختمان رسید. با بررسی پژوهش‌های علمی انجام شده در مورد خاصیت عایقی و رفتار آکوستیکی الیاف پشم بز و گوسفند، به تطبیق واقعیت علمی عملکرد این متریال و استفاده از آن در پانل‌های کامپوزیتی نما به‌عنوان عایق صوتی و حرارتی، به اشاره‌ای که در لایه‌های پنهان مفاهیم آیه قرار گرفته است، پی برده می‌شود. (صدرالدینی، ۱۴۰۱: ۳۱)

۴. بازخورد به نظریه هنجاری: یافته‌های اثباتی اصلاح ارزش‌ها را موجب می‌شوند؛ در روش قرآن محور، شاخص‌ها با تجربیات علمی مقایسه و در اجماع خبرگان تأیید می‌شوند. با تدبر هرچه بیشتر در آیه‌های حاوی کلیدواژه‌های مرتبط با ارزش‌های هنجاری، نکات ظریف‌تری یافت می‌شود از جمله آنکه نمای ساختمان مسکونی حکمی اسلامی، نه تنها جنبه زیبایی و پوشش دارد، بلکه عملکرد کنترل نور ورودی، انرژی، صدا و وسیله‌ای در جهت استفاده بهینه و جلوگیری از اسراف در منابع انرژی و همچنین پوششی برای حفظ حریم و سکون و آرامش فضای خانه محسوب می‌شود. مطالب استخراج شده در این مرحله لازم است به تأیید خبرگان فقیه برسد.

۵. تلفیق پارادایمی: مدل مداسفا با ترکیب روش‌های محتوایی (استراتژی) و برداشت از قرآن (تاکتیک)، چارچوبی برای نظریه‌پردازی معماری اسلامی فراهم می‌کند. در این مرحله با بررسی پژوهش‌های علمی انجام شده در مورد شاخص‌های علمی به‌دست‌آمده در مورد شرایط فیزیکی فضا و مکان و روان‌شناسی محیطی و نرم‌افزارهای موجود به تست و آزمایش شاخص‌های استخراج شده از لایه‌های پنهان آیه‌ها و علم روز پرداخته می‌شود. به‌طور مثال با شبیه‌سازی کامپوزیت‌های ساخته شده از پشم طبیعی در جداره ساختمان عملکرد عایق صوتی و حرارتی آن در نرم‌افزارهای مربوطه مانند گراس‌ها پر و پلاگین‌های آن بررسی می‌شود

و ضخامت و اندازه و ابعاد آنها به عنوان شاخص دقیق برای رسیدن به دما و شدت صوت مناسب برای رسیدن به فضای حیات طیبه به دست می آید.

۶. دستاورد نهایی: این چرخه تعامل هنجار - اثبات، غنای نظریه معماری اسلامی را در ساحت های مفهومی و عملیاتی تضمین می کند. در هر مرحله نتایج به دست آمده با مفاهیم استخراج شده از قرآن برای رسیدن به حیات طیبه مقایسه می گردد و در طی این چرخه کلیدواژه های بیشتر و نتیجه شاخص های دقیق تر به دست می آید. با در نظر گرفتن موارد فوق می توان به یک مدل مشخص برای نظریه پردازی در معماری اسلامی با برداشت از قرآن کریم رسید.



شکل ۱: مدل استخراج نظریه معماری از قرآن کریم با تلفیق پارادایمی مأخذ: نگارندگان

نتیجه گیری

باتوجه به جایگاه قرآن کریم به عنوان جامع ترین منبع هدایت انسان ها در تمامی ابعاد زندگی، استخراج شاخص های معمارانه مبتنی بر مفاهیم و آیات الهی امری ضروری و بنیادین است. فرایند استخراج شاخص های اثباتی معماری از قرآن نیازمند چارچوب روشمند و ترکیبی است که ضمن بهره گیری از تحلیل کیفی محتوای آیات، مفاهیم را با شاخص ها و مدل های تجربی معماری تطبیق داده و در قالب مدل های اثباتی قابل سنجش ارائه کند.

این شاخص ها در گام نخست به صورت مفاهیم توصیفی و هنجاری از متون قرآنی و روایات اسلامی برآمده و معناشناسی می شوند. سپس، با بهره گیری از روش تلفیقی و بین رشته ای، ادبیات تجربی معماری نوین و

علوم معاصر به کار گرفته شده و با بازخوانی علمی آیات و کلیدواژه‌های مرتبط، شاخص‌های اثباتی و کارآمد در حوزه معماری اسلامی ارائه می‌گردد. این فرایند موجب تحقق پیوند عمیق میان میراث معنوی و دانش روز معماری شده و بستر شکل‌گیری طرح‌های معماری اصیل و هویت‌مند را فراهم می‌آورد. در نهایت، این رویکرد منجر به خلق شاخص‌های امکان‌سنج و عینی می‌شود که ضمن پایبندی به آموزه‌های متعالی قرآن، بهره‌وری علمی و کاربردی نیز دارند همچنین می‌تواند زمینه‌ساز نظریه‌پردازی نوین و اثباتی در معماری اسلامی بر پایه متون مقدس باشد.

روش‌شناسی پیشنهادی برای استخراج شاخص‌های اثباتی معماری از قرآن در مراحل ذیل خلاصه می‌شود:

۱. تحلیل محتوای سیستماتیک آیات: استفاده از روش‌های کدگذاری و تحلیل مضمون برای شناسایی مفاهیم مرتبط با محیط، سازه، زیبایی‌شناسی، کاربری فضا و سایر شاخص‌های مورد اشاره در آیات.

۲. تطبیق مفاهیم قرآنی با شاخص‌های رایج معماری: تطبیق یافته‌های حاصل از تحلیل متون قرآن با شاخص‌های رایج معماری (مانند مقیاس‌پذیری، پایداری، کاربری فضا و سازگاری محیطی) و استخراج شاخص‌های عینی و قابل اندازه‌گیری.

۳. ارزیابی نظریه‌های معماری اسلامی موجود: بررسی تطبیقی نظریه‌های ارائه‌شده بر مبنای قرآن و سنجش میزان استنادات تجربی و اثباتی آن‌ها بر اساس داده‌های معماری و نمونه‌های اجرایی.

۴. تدوین مدل اثباتی: تلفیق روش‌های تحلیل آماری، تحلیل محتوای کیفی آیات و کلیدواژه‌ها با مراجعه به قرآن و رویکرد میان‌رشته‌ای برای ارائه مدل اثباتی، قابل سنجش و تکرارپذیر معماری مبتنی بر قرآن.

۵. اعتبارسنجی با مطالعات موردی: اعتبارسنجی شاخص‌های استخراج‌شده با نمونه‌های واقعی معماری اسلامی و بررسی میزان انطباق با آموزه‌های قرآنی.

کتابنامه

قرآن کریم

اتینگهاوزن، ریچارد و گرابر، اولگ (۱۳۹۶). هنر و معماری اسلامی، ترجمه یعقوب آژند، تهران،

سمت، ج ۱.

احمدی، عباسعلی؛ جلالی، سید مجتبی (خرداد ۱۴۰۴). «تأثیر آموزه‌های اسلامی در طراحی شهری و معماری مسکونی سکونتگاه‌های گذشته؛ مطالعه موردی قلعه مورچه خورت اصفهان»، نشریه علمی علم و تمدن در

اسلام، س ۶، ش ۲۳، صص ۱۸۱-۱۴۷. DOI: 10.22034/icrs.2025.522471.1333

اخوت، هانیه (تابستان ۱۳۹۳). «بررسی روش و راهبردهای تحقیق در مطالعات میان رشته‌ای قرآن کریم»، دوفصلنامه تخصصی پژوهش‌های میان رشته‌ای قرآن کریم، س ۵، ش ۱، صص ۳۴-۲۳.

اصغرزاده، سعید (پاییز ۱۳۹۳). «جستار در شکل نظریه‌های معماری»، فصلنامه صفا، س ۲۴، ش ۶۶، صص

۱۶-۵. DOR: 20.1001.1.1683870.1393.24.3.1.4

امین‌پور، احمد؛ پیروزمند، علیرضا؛ جهانبخش، عباس (پاییز ۱۳۹۷). «روش شناسی نظریه پردازی هنر و

معماری اسلامی»، فصلنامه روش شناسی علوم اجتماعی و انسانی، س ۲۴، ش ۶۷، صص ۸۹-۷۲. DOI:

10.30471/mssh.2018.1504

بابایی، احسان؛ ربیعی، کامران (زمستان ۱۳۹۵). «نظریه هنجاری و ویژگی‌های آن در مطالعات شهری»،

فصلنامه روش شناسی علوم انسانی، س ۲۰، ش ۸۹، صص ۷۸-۵۷.

بهرام‌پور، عطیه؛ اسفندیار، محمودرضا (تابستان ۱۴۰۴). «تأملی در نسبت حکمت معنوی با معماری و

شهرسازی؛ ضرورت بازتعریف جایگاه حکمت در خلق فضاها و معنادار: مقایسه تطبیقی بافت سنتی و بافت

جدید شه‌ریز»، نشریه علمی علم و تمدن در اسلام، ش ۲۳، صص ۱۴۶-۱۱۸. DOI:

10.22034/icrs.2025.524335.1336

جوادی‌آملی، عبدالله (۱۳۷۹). تسنیم، تفسیر قرآن کریم، قم، مرکز نشر اسرا.

حسینی‌پور، مرضیه؛ جودوی، امیر (تابستان ۱۴۰۲). «نقد و بررسی رویکرد پدیدارشناسانه در فهم قرآن»،

فصلنامه مطالعات قرآنی، س ۲۴، ش ۱۲، صص ۴۵-۲۳. DOI:

10.30495/qsf.2023.1978983.2980

دل‌زننده، علی؛ بمانیان، محمدرضا؛ جهانبخش، حید؛ مرادی‌نسب، حسین (زمستان ۱۴۰۲). «مرتب‌بندی

تعاریف و شیوه‌های نگرش به معماری اسلامی بر پایه شناخت‌شناسی و هستی‌شناسی اسلامی»، فصلنامه

مطالعات شهر ایرانی اسلامی، ش ۱۰۰، صص ۸۳-۵۴.

دشتی، محمد (۱۳۷۸). روش‌های برداشت از قرآن، قم، مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمؤمنین (ع).

ذوالفقارزاده، حسن؛ مافی، سوسن (۱۴۰۱). تجلی باورهای اصول دین در معماری اسلامی، قزوین، انتشارات

دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره).

رضایی اصفهانی، محمدعلی (پاییز ۱۳۸۸). «روش شناسی مطالعات میان رشته‌ای در تفسیر قرآن»، فصلنامه اندیشه دینی، دانشگاه شیراز، س ۷، ش ۳۲، صص ۱۱۵-۱۳۲. DOI: 10.22099/jrt.2013.1246

سعدوندی، مهدی؛ مطیع، مهدی؛ منصوریان، مریم (زمستان ۱۳۹۲). «باز نمود مفاهیم و ساختار ادبی قرآن در معماری اسلامی»، فصلنامه مطالعات تطبیقی هنر، س ۳، ش ۶، صص ۸۷-۹۸.

سلیمی، مینا؛ شریف‌زاده، محمدرضا؛ بنی‌اردلان، اسماعیل (خرداد ۱۳۹۹). «پدیدارشناسی مکان‌های مقدس با تکیه بر معماری ایرانی-اسلامی (نمونه موردی: مسجد تاریخی شیخ لطف الله اصفهان)»، فصلنامه عرفان اسلامی (ادیان و عرفان)، س ۱۶، ش ۶۳، صص ۲۶۷-۲۵۱. DOI: 20.1001.1.25383345.1401.7.4.3.4

DOI:

صدرالدینی، محسن (زمستان ۱۴۰۱). «کامپوزیت‌های پلیمری حاوی الیاف پشم گوسفند با کاربرد عایق‌های حرارتی و صوتی: از معرفی تا کاربرد»، فصلنامه پژوهش و توسعه فناوری پلیمر ایران، س ۴، ش ۷، صص ۳۱-۲۳.

صفایی حائری، علی (۱۳۹۲). روش برداشت از قرآن، قم، نشر لیلہ القدر.

گرابر، اولگ (۱۳۹۱). معماری اسلامی، ترجمه اکرم قیطاسی، تهران، سوره مهر، ج ۲.

لطیفی، میثم (پاییز ۱۳۹۰). «روش شناسی راهبردهای تدبیر در قرآن کریم: استقرانی از پژوهش‌های میان رشته‌ای مدیریت اسلامی در دهه اخیر»، فصلنامه اندیشه مدیریت راهبردی، س ۵، ش ۲، صص ۵۵-۲۵. DOI: 10.30497/smt.2011.160

مختاریان، علی (۱۴۰۰). واژگان و اصطلاحات معماری قرآنی، تهران، نشر زرین اندیشمند، ج ۲.

مرتضوی، سیدرحمان (۱۳۹۶). بررسی و نقد رویکرد پدیدارشناسانه هانری کرین به هنر اسلامی، رساله دکتری، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه علامه طباطبائی.

مطهری، مرتضی (۱۳۷۲). آشنایی با قرآن، تهران، نشر صدرا.

مظاهری، حسین (۱۳۹۰). عصاره دین (احکام، اخلاق، اعتقادات)، قم، نشر مؤسسه فرهنگی الزهرا.

خوشنویس، احمد میرزا کوچک؛ بیات، عاطفه (زمستان ۱۴۰۲). «بررسی تاثیر نظریه‌های اثباتی و هنجاری در آموزش معماری بر هویت معماری معاصر ایران»، نهمین کنگره سالانه بین المللی عمران، معماری و توسعه شهری، تهران.

نقره‌کار، عبدالحمید؛ مظفر، فرهنگ؛ نقره‌کار، سلمان (پاییز ۱۳۸۹). «مدلسازی، روشی مفید برای پژوهش میان‌رشته‌ای»، دوفصلنامه معماری و شهرسازی ایران انجمن علمی معماری و شهرسازی ایران، ش ۱، صص ۱۳۸-۱۲۹.

منابع برای مطالعه بیشتر

- اراکي، محسن (۱۳۹۳). فقه نظام سیاسی اسلامی، قم، نشر معارف.
- بلخاری قهی، حسن (۱۳۹۰). زیبایی‌شناسی در هنر اسلامی، تهران، سمت.
- بلخاری قهی، حسن (۱۳۹۰). مبانی عرفانی هنر و معماری اسلامی، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی.
- بورکهارت، تیتوس (۱۳۸۰). هنر مقدس در شرق و غرب، ترجمه سید حسین نصر، تهران، سروش.
- رضائی هفتادر، حسن (بهار ۱۳۸۹). «هنر معماری و قرآن»، فصلنامه بینات، ش ۱۷، صص ۱۷۶-۱۵۲.
- ظفرمند، سید جواد (تابستان ۱۳۸۱). «مفهوم فرم به ویژه در هنر»، فصلنامه هنرهای زیبا، س ۱۱، ش ۲، صص ۲۱-۱۳.
- مدد پور، محمد (۱۳۷۸). حکمت انسی و زیبایی‌شناسی عرفانی هنر اسلامی، تهران، سوره مهر.
- مدد پور، محمد (۱۳۸۴). روش تحقیق در هنر دینی، تهران، سوره مهر.
- معماریان، غلامحسین (۱۳۸۴). سیری در مبانی نظری معماری، تهران، سروش دانش.
- ناری قمی، مسعود (تابستان ۱۳۹۰). «دیدگاه هنجاری هنرجویان رشته نقشه‌کشی معماری در مورد معماری و جایگاه آن: نمونه موردی شهر قم»، نشریه هنرهای زیبا: معماری و شهرسازی، س ۳، ش ۴۶، صص ۷۴-۶۳.
- نصر، سید حسین (۱۳۹۵). هنر و معنویت اسلامی، ترجمه رحیم قاسمیان، تهران، نشر حکمت.
- نقی‌زاده، محمد (تابستان ۱۳۹۲). «شهر اسلامی و روش بهره‌گیری از متون مقدس»، کتاب ماه هنر، ش ۱۷۷، صص ۴۴-۳۵.